

یادداشت

به بهانه برگزاری نمایشگاه امیرحسین قاسمی

و آیداذوقی در «خانه هنر»

روایت انهدام؛ رفت و آمد میان مرگ و زندگی

زهراراد

جهانی که فلز و سنگس می‌درخشد، مرا می‌فریبد و به وجد می‌رسانند. چیزهایی را که در آنها صوت با نور درهم می‌آمیزد سخت دوست می‌دارم. این روزها در خانه هنر، نمایشگاهی برپا است؛ کاری گروهی و ترکیبی از زوج هنرمندی با تفکر نقاشانه، عکاسانه، گرافیکی و فلسفی که داستانی با فلسفه روایی دارند؛ امیرحسین قاسمی و آیداذوقی، قاسمی از اهالی سینما است. فعالیت حرفه‌ای او در طراحی صدا و میکس فیلم است و ذوقی اما هنرمند نقاش و گرافیک. «گرگ و میش» عنوان نمایشگاه آنها است؛ نامی که دیر به پوستر و کارت رسید تصویرسازی، فتومونتاز، فتوکلاژ، عکاشی یا نقاشی با عکس. هرچه که باشد از مدیوم‌های مختلفی می‌توان در تصویرسازی بهره گرفت و یکی از المان‌های تصویر نهایی می‌تواند هم عکس باشد. چندان فرقی نمی‌کند این کارها را برهنمایی عکس‌ها به دست آمده باشد یا از نقاشی با آنها یا هر دو؛ نتیجه‌اش گذر لطیفی است از واقعیت عکس به تصور خیل نقشی تازه که بیش از هر چیزی در محدوده خیال می‌گذرد و این تجربه‌ای است که با هر دو عکاسی و نقاشی متفاوت است. عنوان آثار هم داستانی دارند «وقتی سپیده‌نزدیک می‌شد»، «دیده‌ام که شکار شدی»، «تو را باور دارم حتی اگر از هم دور باشیم»، «هرامحو در حلقه‌های دودآلودخمنم با خودببر»، «حوای آبی»، «هست از نیست» و… هرچه باشند، مرگ و زندگی در این آثار در رفت و آمدند.

در برخی آثار عرضه‌شده در این نمایشگاه، آنجا که از واقعیت تکه‌برداری شده، در زمینه‌ای از طبیعت، چه به صورت قرار گرفتن طبیعی یا سوپر ایمیجوزی که در فتوشاپ طراحی و حاصل شده باشد، جایی که خط و خط‌کشی نقاشانه مستقیم کار نکرده است، موفق‌تر است و نشانه غیریکدستی آن در برخی از آنها هویداست؛ چنانچه در بعضی آثار، ترکیب کار در جان هم رفته‌اند. هرچه باشد به دلستان هنرمندان این آثار برمی‌گردد؛ ظرافتی که انسان را به شک و تحسین واهی دارد. شاید بتوان گفت موضوع کلی آثار عرضه‌شده دربراه اضمحالی است که در طبیعت ذهنی و اطراف این هنرمندان اتفاق افتاده و بیان گزارشی از انهدام است؛ نوعی دلسوزی در کنار این گزارش هست که هم عشق به زندگی دارد و هم عشق به طبیعت که به سوگواری تصویری از این پورسه انهدام تبدیل می‌شود، به‌طوری که در برخی موارد این زشتی‌ها و حتی لکه‌های خونی که‌از زنگ‌زدگی فلز تداعی‌شده بیشتر به زیبایی کار افزون کرده است تا کراهت از تابلو. امیرحسین قاسمی نخستین مجموعه کارش را در نادانا عرضه کرد. جشنواره فیلم‌های یک دقیقه‌ای ویدئوآرژ از مجموعه پرندگان؛ جایزه اول را هم گرفت. بعدتر از مجموعه‌ای دیگر کارهای ترکیبی باموضوع چهل عکس از مجموع پرندگان و ویدئوآرژ از پرندگان سپیده را در نمایشگاهی که زنده‌یاد بهجت صدر، رازباغیانگر، عیلس کیارستمی، ایلکاهدایت و زهره اسکندری که در ایران در آن حضور داشتند در فرانسه به‌نمایش گذاشت. نمونه هوشی که در ایتالیا هم به نمایش در آمد، شاید از همین جاود که در طبیعت‌شان خوش آمد و مجموعه «گرگ و میش» شکل گرفت و نتایجی هم حاصل شد. نقاشی با عکس، قوانین نقاشی در عکس‌های ایشان وارد شد. حالا آنچه



در قالب یک مجموعه ۲۰ تایی در گالری پاسارگاد خله هنر به نمایش درآمده، جزئی از مجموعه بزرگ آنها است؛ جزئی از همه آن چیزهایی که ممکن است در زندگی دور و اطراف ببینیم، اما توجه‌کنکیم قاسمی می‌گوید: «تکنولوژی برای ترکیب عکس‌ها استفاده کردیم، رنگ‌های خاصی را که در جزئیات می‌خواستیم از طبیعت می‌گرفتم. اجزا واقعی بودند، نه به‌دست‌آمده‌از ترکیبات گرافیکی دیجیتال، در علوم امروز هر کسی به چیزی وفاداری دارد. دستکاری ممکن بود در کارها صورت گیرد، اما ما به اجزای عکس وفادار ماندیم. عکس‌هایی از ملاموند تا پاریس و حتی گل‌هایی در شمال ایران و… ترکیب شدند.» شاید اگر ابعاد عکس بزرگ‌تری بودند حاصل کار، شکل دیگری می‌نمود. همان‌طور که قاسمی خود اذعان دارد او می‌گوید: «ما وارد حیطه نقاشی شدیم بنابراین از لحاظ تنوع رنگی چاپ آثار اهمیت داشت.

باید مطمئن می‌شدیم به خروجی رنگ‌ها یا ثبت رنگ‌های روی کاغذ در خروجی کمپیوتر. عکس‌هایی را که به‌عنوان بخشی از یک کار دوست داشتم، می‌گرفتم و رنگه می‌داشتیم. اگر امروز تاثیر خوبی روی برخی از مخاطبان گذاشته شاید به دلیل استفاده از عوامل تصویر رتل باشد. هرچا هر چیزی را می‌توانی جمع کنی، مثل خاطره در خلغات که داری. خط بین واقعیت و خیال همچون تار مویی است که اگر قدیمی کوچک از روی آن برداری وارد جهانی سحرانگیز و سرشار از نشانه، عشق، ترس، ناامیدی و امید می‌شوی. خوب‌ها و اتفاقات پیرامون هر کتلم هم، دنیای جدیدی را برایت خلق می‌کنند که دوست‌شان داری و علاقه‌مندی که آن را عینیت بخشی و به آن نگاه کنی، به خاطرات سال‌هایی از زندگی که همراهت بودند و آنها را تا پایان نگه خواهی داشت.» آیداذوقی اما می‌گوید: «هندا بود دوست داشتم خط و نقش نقاشی‌ام، دور را هر آنچه ذهن را درگیر می‌کرد گذاشتن صورت معمول می‌کنند، باشد، غافل از آنکه «آشناترین» خود در جای جای آسمان و زمیشت انتزاعی را که به دنبالش بودم به تصویر کشیده است. نگاه امیرحسین در عکس‌هایش مرابا این دنیا بیشتر آشنا کرد. عکس‌هایش را دوست دارم. آنها مهربان با طبیعت و لمهربان با نااهربین‌ها هستند. این گونه همدل شدیم. اما گاه تصاویر مشابهی که در ذهن می‌پروراندیم را در تکه‌عکس‌هایی‌یافتیم و این شد که ترکیب عکس‌ها دستمایه دغدغه‌هایمان شد.» به‌قول جعتبی راعی – کارگران سینما – نگاه‌الور فکر می‌کنی این تابلوها نقاشی‌اند اما نمی‌کنی، بلشتر می‌آیی می‌بینی که عکاسی شده‌اند. خیلی‌ها می‌توانند عکاسی کنند، اما حتماً ذهن نقاشانه می‌خواهد که با عکس به نقاشی رسید. وقتی کاری به اصالت می‌رسد، تو را صدا می‌زند، بیا مرا نگاه کن. این کارها هم به‌اصالتی رسیدم‌اند که به‌عنوان نقاشی صلیت می‌کنند. گنر خوبی از عکس به نقاشی صورت گرفته است. احساس دارند، ما را تازه می‌کنند و بر ما تاثیر می‌گذارند. همین کافی است. آدم فکر نمی‌کند با عکس بشود چنین چیزی ساخت، اما طبیعتاً هنرمندی پشت این کار بوده‌اند که شده نمایش آثار این زوج هنرمند تا مستقیم تیرماه در گالری پاسارگاد آر‌تسنتر– خانه هنر – تمدید شده است.

پی‌نوشت:

۱- نقل قول از شالار بولدال نویسنده فرانسوی و از مطرح‌ترین ادیبان مکتب پستلیسم

نقاشی‌های مشترک گلناز قدیری و لیلا میری در

گالری گلستان به نمایش گذاشته شد؛ نمایشگاهی که به خلاف نمایشگاه‌های مرسوم، دو هنرمند روی یک تابلو کار کرده و تعداد این تابلوها را به عدد ۱۷ رسانده‌اند. این تابلوها در قالب نمایشگاه «حرف رنگ» روی دیوارهای گالری گلستان رفته؛ نمایشگاهی که نه انفرادی است نه گروهی بلکه تنها حاصل حس مشترک دو هنرمند است نسبت به رنگ و خط. گلناز قدیری متولد ۱۳۵۸ و دارای لیسانس نقاشی از دانشگاه آزاد اسلامی است. او تا به حال چهار نمایشگاه انفرادی برپا کرده که از میان آنها سه نمایشگاه در گالری گلستان برگزار شده؛ ضمن اینکه در بیش از ۲۰ نمایشگاه گروهی هم شرکت داشته است. سبک نقاشی او آبستره است که گاه رگه‌های فیگوراتیو دارد. لیلا میری هم متولد ۱۳۵۵ در شمیران است. او لیسانس گرافیک از دانشگاه هنرهای تزئینی دارد و عضو انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران (IGDS) است. میری در بیش از ۳۰ نمایشگاه گروهی در داخل و خارج از کشور شرکت کرده است.

—

–چه شد در فضای هنری ایران روی یک بوم کار کردید و اثری واحد ساختید؟

لیلا میری: من در خانواده‌ای بزرگ شده‌ام که نقاشی، نقش پررنگی در آن داشت. از کودکی با این حرفه آشنا هستم. خط را دوست دارم و از کودکی خط کار می‌کردم و پایان‌نامه خود را با آقای ابراهیم حقیقی تمام کردم که در این حرفه از استادان بنام خط نقاشی هستند و سابقه طولانی در این زمینه دارند. در نتیجه پیش‌زمینه‌اش را داشتم و این طور نبود که به عنوان یک گرافیکست بخواهم با یک نقاش کار تلفیقی انجام بدهم. باید بگویم نگاه خودم را با نگاه یک نقاش تلفیق کردم و ماحصل آن این آثار شد. —**یعنی به عنوان یک گرافیکست این تجربه را با هر نقاش دیگری غیر از خانم قدیری هم به پایان می‌بردید؟**

میری : برایم مهم بود که طرف مقابلم چه کسی است. دوست نداشتم با هر نقاشی این تجربه را پشت سر بگذارم. نقاشی‌های گلناز را خیلی دوست دارم. جزئیات زیادی دارد و پر از حس است. در جزء جزء کارش خیلی زحمت می‌کشد. —**خانم قدیری شما چطور؟ آیا این نمایشگاه را با هر نقاشی غیر از خانم میری به سرانجام می‌رساندید؟ گلناز قدیری:** من همیشه بازی کردن با خط در نقاشی را دوست داشتم. در دوره‌ای به این فکر افتادم که از فرم حروف فارسی در نقاشی‌هایم بهره ببرم که مصادف شد با تب فراگیر حراج‌های هنری. به همین دلیل از این کار صرف نظر کردم. گذشت تا کارهای لیلا را دیدم و از آزادی کارهایش خوشم آمد.

–اولین بار چه کسی برپایی این نمایشگاه را پیشنهاد داد؟

میری: این جرقه‌ای بود که همزمان در ذهن هر دو ما زده شد. در آن دوره‌هایی که گلناز قدیری و چند نفر دیگر نقاشی می‌کردند، من هم خط کار می‌کردم. در یکی از جلسات آن دوره روی نقاشی گلناز، شروع به کار کردم. نتیجه کار آنقدر مثبت بود که سبب شد ایام برگزاری این نمایشگاه شکل بگیرد و در نهایت پس از هشت ماه این نمایشگاه برگزار شود. —**می‌دانیم نقاشی، منشی فردی دارد؛ بنابراین تکلیف منش فردی نقاشی چه می‌شود؟ قدیری:** معمولاً روی یک بوم یک نفر کار می‌کند ولی چنین قانونی وجود ندارد. کار کردن دو نفر روی یک بوم معمول نیست اما پیش از این در سطح جهان زیاد اتفاق افتاده است. بنابراین نمی‌توان گفت انفرادی کار کردن در نقاشی یک قانون است.

–این برخورد با نقاشی چیزی است که در تاریخ هنر معاصر ما دیده نشده یا خیلی کم دیده شده است و حداقل در گالری‌های تهران کمتر دیده می‌شود. معمولاً نقاشان به صورت انفرادی کار می‌کنند، اما اینجا شما دو نفر روی یک تابلو کار کردید. اینجاست که هنر دو هنرمند پائین آنها نوشته شده. چه بازخوردی برای خودتان در نظر گرفته‌اید؟

میری: ما هر دومان جسارت تجربه کردن را داشتیم. — **یعنی این کارها یکسری تجربه‌گرایی در هنر است و ما شاهد تجربیات دو هنرمند جوان هستیم؟ قدیری :** به نظر من خلق هر اثر یک تجربه است و این

تجربه می‌تواند در یک مسیر به پیش برود و گاهی ممکن

است از آن مسیر جدا شود. این اولین تجربه من در کار مشترک روی یک بوم بود که بسیار آموزنده و لذت‌بخش بود. —**وقتی به نتیجه کار دقت می‌کنیم، می‌بینیم خانم میری در قبال شکل‌های تجریدی خانم قدیری احتیاط کرده‌اند. به نظر می‌رسد اینجا بیشتر نقاشی به چشم می‌آید تا گرافیک یا خط. شما با این برداشت موافق هستید؟** **میری:** این به برداشت مخاطب بستگی دارد. ما حین کار کردن به این فکر نمی‌کردیم که کدام بخش غالب است. بیشتر به نتیجه کار فکر می‌کردیم. **قدیری:** ببینید طراحی‌های لیلا در شاخه گرافیک هم به نقاشی نزدیک است. بنابراین نمی‌توانیم بگوییم در این کار، بخشی که من کار کرده‌ام غالب است. —**کاربرد خط در نقاشی نرخی‌نامه شده است و در فضای فعلی هنر ما هم کارهایی دیده می‌شود که برای نشانه‌گیری در بازار در آنها خط به کار برده‌اند. می‌خواهیم ببینیم که این خطی که شما به کار برده‌اید چه تفاوتی با آن خط‌ها دارد؟**

میری: در مقطع کنونی کاربرد خط در نقاشی چندان رایج نیست. به این دلیل که آثار نقاشی بیشتر با انگیزه مالی و تجارت در عرصه بین‌المللی با خط تلفیق شده‌اند و پس از مدتی مخاطبان در مقابل آن موضع گرفتند. در حال حاضر انگیزه مالی در این عرصه به وجهه هنری هنرمند صدمه می‌زند. ما به هیچ وجه به مسائل تجاری آن فکر نکردیم. در حقیقت این آثار گفت‌وگویی هستند در رنگ از سوی دو نفر.

–در فضای معاصر ما البته ترکیب رسانه‌ها به‌سبب سابقه بوده. مثلاً کار خانم زندگی و آقای ابراهیم حقیقی در تلفیق عکاسی و نقاشی (عکاشی). شما در ذهن‌تان چه می‌گذرد. آیا تنها خواستید قالب‌ها را به هم بریزید؟ **میری:** هدف تجربه و نگاهی تازه به تلفیق خط و نقاشی بود و ب… **قدیری:** ببینید ما حین کار اصلاً به چنین مسائلی فکر نمی‌کردیم. تنها هدف ما به نتیجه رسیدن کارها و برگزاری این نمایشگاه بود. اما در کل به نظر من هنرمند مدام در حال تجربه‌اندوزی است و هر یک از تجربه‌ها یک رویداد نوین است.

–عیب این کارهای مشترک این است که متأسفانه هیچ‌کدام به‌سبب تجربه و نگاه تازه به تلفیق خط و نقاشی بود و ب… **قدیری:** ببینید ما حین کار اصلاً به چنین مسائلی فکر نمی‌کردیم. تنها هدف ما به نتیجه رسیدن کارها و برگزاری این نمایشگاه بود. اما در کل به نظر من هنرمند مدام در حال تجربه‌اندوزی است و هر یک از تجربه‌ها یک رویداد نوین است. **–عیب این کارهای مشترک این است که متأسفانه**

پرویز براتی



اغلب تداوم نمی‌یابد، مثل تجربه «عکاشی» که دیگر از سوی مریم زندی و ابراهیم حقیقی ادامه نیافت… قدیری: فکر می‌کنم نتیجه این کارهای مشترک مهم است. ضرورتی ندارد که دو هنرمند تا آخر عمرشان، یک تجربه واحد را ادامه دهند. در مورد تجربه مشترک مریم زندی و ابراهیم حقیقی هم مهم این است که با همان یک بار کار مشترک، پدیده‌ای به نام «عکاشی» جا افتاد و هنوز فروشنده است.

میری: مهم این است که «عکاشی» با یک تجربه در ذهن آدم‌ها باقی ماند.

–این کارهای گروهی در گرافیک عجیب نیست، ولی در کار نقاشی کمتر مشاهده شده است؛ چون نقاشی منش شخصی‌تری دارد. در این کارها جاهایی رد پای لیلا میری قوی‌تر است و جاهای امضای گلناز قدیری کاملاً مشهود است. جاهایی هم حالت بینابین دارد. جاهایی که رد پای خانم میری قوی‌تر است نظر تان چیست؟

قدیری: برداشت مخاطبان متفاوت است. برخی به من گفته‌اند امضای لیلا در کارها بیشتر دیده می‌شود. بعضی هم معتقدند ردپای هر دو ما در کارها وجود دارد. همان طور که پیشتر گفتم نتیجه کار برای هر دو ما بیش از هر چیز اهمیت داشت.

نمایشگاهی که چندی قبل در گالری گلستان برپا شده نه انفرادی بود و نه گروهی بلکه آن‌را باید حاصل حس مشترک دو هنرمند به خط و نقاشی دانست. لیلا میری و گلناز قدیری در این گفت‌وگو درباره این تجربه مشترک سخن گفته‌اند. آنان می‌گویند مخاطب خود را آزاد گذاشته‌اند که برداشت خود را از کار داشته باشد.

میری: ما بدون حساسیت با هم کار کردیم– وقتی روی یک بوم کار می‌کردیم، به این فکر نمی‌کردیم رسانه‌ها به‌سبب سابقه بوده. مثلاً کار خانم زندگی و آقای ابراهیم حقیقی در تلفیق عکاسی و نقاشی (عکاشی). شما در ذهن‌تان چه می‌گذرد. آیا تنها خواستید قالب‌ها را به هم بریزید؟

میری: هدف تجربه و نگاهی تازه به تلفیق خط و نقاشی بود و ب… **قدیری:** ببینید ما حین کار اصلاً به چنین مسائلی فکر نمی‌کردیم. تنها هدف ما به نتیجه رسیدن کارها و برگزاری این نمایشگاه بود. اما در کل به نظر من هنرمند مدام در حال تجربه‌اندوزی است و هر یک از تجربه‌ها یک رویداد نوین است. **–عیب این کارهای مشترک این است که متأسفانه**

اسطوره‌ها در آینه هنرهای تجسمی

خسرو ناهد

پن্থیوس خدای رودخانه‌ها و دوشیزه‌ای زیبا و شکارگران ایرانی بر پایه سنت‌های تصویری پیش از اسلام و با بهره‌گیری از نقاشی چینی به نظام زیبایی‌شناختی منسجمی دست یافتند که اصول و قواعد خاص خود را داشت. بعدها از طریق نقالی و شاهنامه‌خوانی نه‌تنها داستان‌های شاهنامه در میان عامه مردم گسترش یافت، بلکه تصویرگران ایرانی با الهام از داستان‌ها و مجالس شاهنامه و نبردهای تیری از جنس سرب نیز به خلق دافنه نشانند تا او را برای همیشه از هر چه عشق و عاشقی است، عاری کند و از آن پس دست رد به سینه همه خواستاران و عاشقان خود زدند. آپولون عاشق دافنه می‌شود و همه جا برای رسیدن به معشوق خود، او را تعقیب می‌کند. دافنه اما دلدادگی گریزان است؛ او نه دل در گرو عشق خدایان دارد و نه خدای زادگان. دافنه سرانجام برای رهایی از آپولون، ناگزیر به زدن سر خدایان پناه می‌برد. آپولون که همچنان در جست‌وجوی دافنه است، از پای نمی‌شیند و دافنه را نزد زئوس می‌یابد. درست در لحظه‌ای که آپولون دست به سوی دافنه می‌برد تا او را در غوش بگیرد، دافنه از خدای خدایان، زئوس (یا به روایتی دیگر از پدر خود پن্থیوس) می‌خواهد او را به درخت غار تبدیل کند. دافنه مسخ می‌شود، جماد می‌شود و افسانه این



برایتان داشت؟ قدیری: از سال‌ها پیش بازی کردن با فرم حروف را دوست داشتم، مثل بعضی از کارهای خانم منصوره حسینی که با حروف کار کرده‌اند. این برایم همیشه جذاب بوده است. ولی چون این اشتیاقی مصادف با رواج استفاده خط در نقاشی شد، از این کار منصرف شدم تا سال گذشته که با لیلا تصمیم گرفتیم این نمایشگاه را برگزار کنیم.

–ممکن است این کارها مد شود؟

قدیری: نمی‌دانم. قبلاً هم گفتم هدف ما به ثمر رسیدن تلاش‌هایمان بود نه این مسائل.

–خانم میری، اگر با کسی غیر از گلناز قدیری در این کار طرف بودید، می‌توانستید به چنین نتیجه‌ای برسید؟

میری: نه، با این صراحت به نتیجه نمی‌رسیدم؛ به این خاطر که آزادی‌ای که گلناز در آثارش دارد من در نوشتن دارم.

قدیری: ما هر کدام می‌توانستیم فرد دیگری را برای این کار انتخاب کنیم یا حداقل پیشنهاد بدهیم. کار خط هنرمندان بسیاری را دیده بودم، ولسی خط ایلا از همان آزادی‌ای برخوردار است که این نوع رهایی و آزادی در کارهای من نیز دیده می‌شود. در این پروژه با کس دیگری نمی‌توانستم کار کنم.

–چقدر از تجربیات شخصی همدیگر بهره بردید؟

قدیری: بسیار. به نظر من کار مشترک یعنی تکمیل کردن یکدیگر.

چه شد اسم این نمایشگاه را حرف رنگ گذاشتید؟ **میری:** این هم خیلی حسسی بود، یعنی «حرف رنگ» خودش آمد. گفت‌وگویی بود که نمی‌خواستیم در چارچوب واژه‌ها باشد.

قدیری: همین طور است. حتی مدتی فکر کردیم و بیکاره «حرف رنگ» به ذهن‌مان رسید. اینجا هم نخواستیم برای اسمش اتود بزنیم.

–خانم میری، شما در خانواده‌ای بزرگ شده‌اید که نقاشی در آن غالب بوده. پدربزرگ‌تان مرحوم هوشنگ پزشک‌نیا از سرآمدان نقاشی ایران هستند. چرا خودتان به طرف نقاشی نرفتید؟

میری: گرافیک را بیشتر دوست داشتم حتی از دوران کودکی. البته به موازات آن نقاشی هم می‌کردم. اما به دلیل مشغله‌های کاری مدت‌ها نقاشی را کنار گذاشته بودم. از گلناز ممنونم که باعث شد باز هم به نقاشی رو بیاورم.

–بازخورد مخاطب چقدر برای شما مهم است؟ به هر حال مخاطب کارها را که می‌بیند مشترک بودن هنرمند در آنها برجسته‌تری دارد…

قدیری: برای اینکه مساله امضا را حل کنیم یک امضای مشترک پای کار داریم که تلفیقی از اسم هر دو ماست. در نقاشی مخاطب مهم است، ولی در نهایت نقاش کارش را تمام می‌کند و آن را روی دیوار می‌گذارد. آنجاست که نقدها و نظرها را دریافت می‌کند. به عنوان یک نقاش می‌گویم که اگر مخاطب برای نقاش مهم‌ترین بود، در میانه کار با دریافت یک نقد یا نظر ممکن بود اثر را تغییر دهد. نقاشی هنری است که مخاطب تمام‌شده‌اش را می‌بیند. خوشحال می‌شوم مخاطب با این کارها رابطه برقرار کند. فکر می‌کنم حرف‌مان را به مخاطب زده‌ایم.

– آیا این پروژه را ادامه می‌دهید؟

قدیری: ما در کنار این پروژه کار خودمان را هم ادامه می‌دایم، یعنی پروژه‌ها و نمایشگاه‌هایی داریم. خود من پاییز نمایشگاه انفرادی دارم اما فکر می‌کنم در کنار کار همیشگی‌مان از هر دو طرف کاری را هم ادامه بدهیم. —**تلفیق خودتان از کارتان و سبک کاری‌تان چیست؟ قدیری:** به نظر من این نمایشگاه نقاشی‌های مشترک گلناز قدیری و لیلا میری است.

–در حقیقت ۱۷ نقاشی که دو تا نقاش دارند و این دو نقاش می‌گویند ما یک نفریم، درست است؟ قدیری: بله.

–اگر سخن یا نکته ناگفته‌ای باقی مانده بفرمایید.

قدیری: من اینجا می‌خواهم از خانم گلستان تشکر کنم که از ابتدا در جریان کار بودند. خانم گلستان از گالری‌دارهای حامی جوانان هستند. همیشه می‌گویم اگر موقعیتی در حد خودم کسب کرده‌ام مدیون خانم گلستان بودم. **میری:** خانم گلستان نخستین کسی بودند که تابلوهایی ما را دیدند. بسیار تشویق‌مان کردند و این افتخار نصیب‌مان شد که کارهایمان را در این گالری به نمایش بگذاریم. خوشحالم که اولین نمایشگاه‌گام به عنوان یک نقاش در گالری گلستان برپا شد.

از این اسطوره روایتی دیگر نیز در دست است، اما آنچه گفته آمد، مشهورترین روایت است. شاید نخستین هنرمندی که روایت این اسطوره یونانی را سرود، اووید شاعر نامدار روم باستان باشد که نه‌تنها اسطوره دافنه و آپولون و مسخ این پری شکارگر، بلکه بسیاری از اسطوره‌های یونانی و رومی را که درباره دگردیسی و تغییر شکل است، در «کتاب مسخ» گرد آورد و در ۱۵ فصل و ۹۰۰ بیت به نظم کشید.

افسانه عشق آپولون به دافنه و دگردیسی دافنه به درخت غار، در روزگار آن گوناگون، دستمایه نقاشان و پیکر‌سازان و شاعران و داستان‌سرایان بسیاری برای آفرینش اثری هنری بوده است. اینان هر کدام با برداشت‌هایی متفاوت از این اسطوره به خلق اثری دست یازیده‌اند که برخی در جهان جاودانه شدند. یکی از مشهورترین آنان، تابلو نقاشی «آپولون و دافنه» اثر نقاش ایتالیایی جیووانی باتیستا تیپولو (۱۶۹۶ تا ۱۷۷۰ میلادی) است که در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود و دیگری تندیس مرمرین این دو است؛ آفریده دستان جان لورنتسو برتینی (۱۵۹۸ تا ۱۶۸۰) که هم‌اکنون در گالری پرگامی در فرانسه قرار دارد.

سال پنجم ■ شماره ۹۹۸ **شرق** روزانه

روی بوم

چیدمان حسین آزادی در گالری ۶۶

مجموعه چیدمان حسین آزادی این روزها در گالری ۶۶ نمایش داده می‌شود. علی بختیاریر مدیر گالری ۶۶ در مقدمه‌ای کوتاه برای این نمایشگاه نوشته است: «سازه حسین آزادی تاکیدی بر عدم برآورده شدن نیاز ارتباط و روشنگری است. استعاره رنگ در کار او بیانی از گوناگونی تفکرها است و چشمک زدن متوالی سرها نشانه‌ای از تولیدات ذهنی جوامع مختلف را به نمایش می‌گذارد. در چیدمان او روشنگری برای توده‌ها امری ناممکن تلقی می‌شود و زبان و رسانه مشترکی برای طبقه روشنگر و توده در آن دیده نمی‌شود. این تلاش ورطه‌ای است برای سقوط…» این نمایشگاه که اوایل هفته گذشته در گالری ۶۶ افتتاح شد، تا ششم تیرماه در این مجموعه به نشانی تهران، خیابان سمیه (بین مفتح و رامسر)، شماره ۱۴۲ برپاست.

آثار هنرمندان خودآموخته در نگارخانه دی

گالری دی ۴۰ اثر برتر و شرکت‌کننده در دومین جشنواره هنرمندان خودآموخته را به انتخاب هیات داوران برای نمایش در مرداد ماه جاری انتخاب می‌کند. جشنواره هنرمندان خودآموخته به همت بنیاد مکرمه قنبری ۲۱ دیهشت‌ماه در روستای دیر یکدهه بابل و با حضور جمعی از هنرمندان خودآموخته برگزار شد. این آثار با هدف معرفی و حمایت از این هنرمندان از ۲۲ تا ۲۸ مردادماه در معرض دید عموم قرار می‌گیرد. همچنین دومین دوره از نمایشگاه گروهی «از گذشته تا فردا» به یاد ایرج زند هنرمند نقاش و مجسمه‌ساز از ۱۱ تیرماه در گالری دی برپا می‌شود. «از گذشته تا فردا» عنوان نمایشگاهی است که سال گذشته برای نخستین بار با حضور بیش از ۱۲۵ هنرمند و ۱۵۰ اثر به یاد و خاطره هنرمند نقاش و مجسمه‌ساز– ایرج زند– در سالروز تولد او برگزار شد. در این دوره آثاری از سهراب سپهری، حسین زنده‌رودی، بهجت صدر، ناصر عصار، سیراک ملکونیان، محسن وزیری‌مقدم، مارکو گریگوریان، محمد احصایی، منیر فرمانفرمائیان و…به‌نمایش‌درمی‌آید.

نمایشگاه آثار «علی‌اشرف قنبری» در صبا

موسسه صبا میزبان آثار استاد علی‌اشرف قنبری و شاگردان این هنرمند می‌شود. نگارخانه لرزاده این مجموعه که هر بار میزبان یکی از استادان نام‌آشنای هنرهای سنتی است این بار ضیافتکده نگارینه‌های ذوق و خیال استاد علی‌اشرف قنبری هنرمند نگارگری و جمعی از دانشجویان و هنر‌آموزان وی از جمله محمدرسول مکاری، رامین داراب و لادن اسلاملو، زهرا قاضی‌پور، مریم سسکری، بهناز سامتچی و زهرا ربیعی خواهد شد. این نمایشگاه شامل نزدیک به ۴۰ اثر این استاد بوده که از گنجینه‌های موزه هنرهای معاصر، نگارستان هنر و مرکز توسعه هنرهای تجسمی کشور جمع‌آوری شده و در تکنیک‌هایی چون آبرنگ، گواش و طلا بین سال‌های ۶۴ تا ۸۹ ارائه و اجرا شده است.

«قصه خواندن با سوزن» در گالری هما

نمایشگاه پارچه و دوخت‌های انسان جوانی با نگاه به افسانه قدیمی «سارا» متعلق به خطه آذربایجان شکل گرفته است. این آثار به شیوه Femege هستند؛ اصطلاحی که میریام شاپیرو برای آثار پارچهای و زنانه خود ابداع کرده بود. این نمایشگاه روز جمعه چهارم تیرماه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ افتتاح می‌شود و تا ۱۵ تیرماه از ساعت ۱۰ تا ۱۳ و از ۱۶ تا ۲۰ از روزهای جمعه و ایام تعطیل از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به نشانی تهران، خیابان ولیعصر، بین خیابان ظفر و نبایش، کوچه بابک بهرامی، شماره ۵۸، واحد یک میزبان علاقه‌مندان است.

«قصه خواندن با سوزن» در گالری پردیس
نمایشگاه آثار «هشتاد و هفت» هنرمند معاصر از ۲۹خرداد در گالری پردیس سینمایی «ملت» با هدف نمایش و فروش آثار هنرمندان با عنوان «لایه‌های طبیعت» به نمایش گذاشته شده‌است. این نمایشگاه شامل آثار هنرمندانی چون آیدین آغداشلو، محمد احصایی، شاهین اروین، بیوک احمدی، منیر فرمانفرمائیان، گلناز قدیری، مهنا قاضیانی، پرویز کلاتری، رضا کیاپیان، مجید کورنگ‌بهشتی، علی گلستانه و… است که چهار نمایش و فروش در معرض دید عموم علاقه‌مندان قرار گرفته است. قیمت آثار عرضه شده در این نمایشگاه از ۵۰۰ هزار تومان تا ۵۰ میلیون تومان است که گران‌ترین تابلو متعلق به خانم فرح اصولی است. در این نمایشگاه ۱۵۰ اثر شامل نقاشی، عکاسی و خط‌نقاشی عرضه شده است و تا تاریخ ۲۹ تیرماه هر هفته دو نفر از هنرمندان در این نمایشگاه حضور خواهند داشت و در پایان نمایشگاه میزان فروش آثار اعلام خواهد شد. نمایشگاه لایه‌های طبیعت تا ۲۹ تیر ماه، همه روزها از ساعت۱۲ الی ۲۱ برای بازدید عموم علاقه‌مندان دایر است.

آثار «هشتاد وهفت» در گالری پردیس

نمایشگاه آثار «هشتاد و هفت» هنرمند معاصر از ۲۹خرداد در گالری پردیس سینمایی «ملت» با هدف نمایش و فروش آثار هنرمندان با عنوان «لایه‌های طبیعت» به نمایش گذاشته شده‌است. این نمایشگاه شامل آثار هنرمندانی چون آیدین آغداشلو، محمد احصایی، شاهین اروین، بیوک احمدی، منیر فرمانفرمائیان، گلناز قدیری، مهنا قاضیانی، پرویز کلاتری، رضا کیاپیان، مجید کورنگ‌بهشتی، علی گلستانه و… است که چهار نمایش و فروش در معرض دید عموم علاقه‌مندان قرار گرفته است. قیمت آثار عرضه شده در این نمایشگاه از ۵۰۰ هزار تومان تا ۵۰ میلیون تومان است که گران‌ترین تابلو متعلق به خانم فرح اصولی است. در این نمایشگاه ۱۵۰ اثر شامل نقاشی، عکاسی و خط‌نقاشی عرضه شده است و تا تاریخ ۲۹ تیرماه هر هفته دو نفر از هنرمندان در این نمایشگاه حضور خواهند داشت و در پایان نمایشگاه میزان فروش آثار اعلام خواهد شد. نمایشگاه لایه‌های طبیعت تا ۲۹ تیر ماه، همه روزها از ساعت۱۲ الی ۲۱ برای بازدید عموم علاقه‌مندان دایر است.

نقاشی‌های فرید افسیه‌زاده در نگارخانه مینا

از پنجشنبه گذشته نگارخانه مینا افتتاح شده که در آن نقاشی‌های عشایری فرید افسیه‌زاده به نمایش گذاشته شده است. در این نمایشگاه نقاشی‌های او با موضوع عشایر و زندگی عشایری کشیده شده است. این آثار نقاشی رنگ و روغن روی بوم هستند و در آنها به طبیعت، زندگی عشایر، بیابان‌ها و ششلاق‌ها و نیز مردم پرداخته شده است. در این نمایشگاه ۴۴ اثر از این هنرمند ۴۴ساله از پنجشنبه سوم تیر ساعت ۱۷ تا ۲۱ افتتاح خواهد شد و تا هفدهم این ماه بر پا خواهد بود. علاقه‌مندان می‌توانند برای بازدید از این نمایشگاه در تاریخ ذکرشده همه‌روزه از ساعت ۱۸ تا ۲۱ به نگارخانه مینا واقع در خیابان پاسداران، خیابان گلستان دوم، پلاک ۱۲۰ مراجعه کنند.

